

اللولؤالمكنون

گردآورنده:

زهرا کرمی

بهار ۱۳۹۸

سرشناسه	کرمی، زهرا، ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پدیدآور	الؤلؤالمکنون / گردآورنده زهرا کرمی.
مشخصات نشر	کرج: پیدار، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۲۰۰ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۹۹-۴۶۰-۶۲
وضعیت فهرست نویسی	فیهپا
یادداشت	عنوان دیگر الؤلؤالمکنون جزء ۱۷.
یادداشت	کتابنامه: ص. ۱۹۹.
عنوان دیگر	عنوان دیگر الؤلؤالمکنون جزء ۱۷.
موضوع	تفاسیر (جزء ۱۷)
موضوع	تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴
موضوع	Qur'an -- Shiite hermeneutics -- 20th century
رده بندی کنگره	۵۷/BP۱۰۲
رده بندی دیویی	۲۹۷۸۱/
شماره کتابشناسی ملی	۵۷۵۶۵۲۹



کتابخانه دیجیتال

❖ نام کتاب: الؤلؤالمکنون جزء ۱۷

❖ نویسنده: زهرا کرمی

❖ چاپ و صحافی: پیشگام

❖ ناشر: پیدار

❖ نوبت چاپ: ۱۳۹۸ اول

❖ شمارگان: ۱۰۰۰

❖ قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

کلیه حقوق ناشر محفوظ است

نشانی: کرج - رجایی شهر - فاز ۲ - خیابان ۷ غربی - پلاک ۹۰

۰۹۱۲۹۱۵۶۷۴۸ - ۰۲۶۳۴۲۱۰۵۰۳ - ۰۲۶۳۴۲۱۰۵۰۷

Pidar.pub@gmail.com

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۱	الانبياء.....
۱۰۱	الحج.....

www.ketab.ir

به نام خداوند جان

چند روزیست که خانم کرمی جمع‌آوری مطالب و تفاسیر پیرامون جزء ۱۷ را به پایان رسانده و من می‌خواهم چند خطی برای شروع کتاب پیش‌گفتاری بنویسم. نیک می‌دانم که هر آن‌چه نیز تاکنون نوشته‌ام، من فقط نویسنده بوده‌ام، اما گوینده شخص دیگری بوده‌است، قلم را برداشتم و با مدد از حضرت دوست آغاز کردم. نگاهم به قرآنم افتاد، گویی مرا صدا می‌زد، برش داشتم، بوییدمش، نسیم عطر روح بخشش تا اعماق وجودم نفوذ کرد، تشنه‌تر شدم، بر سینه فشردمش، تپش قلبم تندتر شد، بوسیدمش، با خودم عهد کردم که این بار از خودش بیرسم که چه بنویسم، چشمانم را بستم کمی با او نجوا کردم و آرام گشودمش، نگاهم خیره ماند.

رفیق آرام و همیشه رفیق من، قلبم به قفسه‌ی سینه‌ام فشار می‌آورد، تو راست می‌گویی: ﴿بَقِيتُ اللّٰهَ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ﴾ هود/۸۶ در اولین گام مرا بردی در پیشگاه امامم، امام حاضری که من از او غایبم، همان بقیة الله، افسوس که ما از این خیر غافلیم، مگر نه این است که، اوست که خیر است برای ما، بهترین است برای ما، پس ما سرگرم چه شده‌ایم که از این بهترین غفلت ورزیده‌ایم.

مولای من! آقای من! امروز هم که خواستم از قرآن مدد بگیرم باز مرا به سوی شما رهنمون شد، صدایش را شنیدم که او نیز با افسوس این را به من گفت و شاید با اندوه: ﴿بَقِيتُ اللّٰهَ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ﴾ به یاد این جمله‌ی معروف از سرورم رسول ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله افتادم که فرمود: [کتاب الله و عترتی اهل بیتی لن یفترقا حتی یردا علی الحوض] حقیقتا که شما از هم جدایی ناپذیرید، چرا که

دو چیز نیستید، بلکه هر دو یکی هستید، آقای من! و چه زیبا قرآن نگاهم را به سویت کشاند و دلم را به آتش کشید، [أَيْنَ بَقِيَهُ اللَّهُ الَّتِي لَا تُخْلَوُ مِنَ الْعِثْرَةِ الْهَادِيَةِ، يَا ابْنَ الْآيَاتِ وَ الْبَيِّنَاتِ يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ يَا ابْنَ التَّزَاهِيَنِ الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ يَا ابْنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ يَا ابْنَ النِّعَمِ السَّابِقَاتِ يَا ابْنَ طَه وَ الْمُحْكَمَاتِ، يَا ابْنَ يَس وَ الذَّارِيَاتِ يَا ابْنَ الطُّورِ وَ الْعَادِيَاتِ يَا ابْنَ مَنْ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى]¹.

آری تو همان قرآنی، قرآن بی تو معنا ندارد، ای رفیق همیشه رفیق راست می گویی، همیشه احساس می کردم موجودی زنده و هوشیار هستی، آینه هستی برایم، دوستی کامل و همه چیز تمام، صدایت را می شنیدم و حسّت می کردم، اما وقتی این گونه پاسخ می دادم، صدای قلبم را از هیجان به واقعیت پیوستن افکارم می شنیدم، و یقیناً صد چندانی نبود که تو از بسیاری از زندگان زنده تری و از بسیاری از آنان که ادعای بیداری و هوشیاری می کنند، بیدارتی و هوشیارتری. در گیرودار بهت و حیرت خویش بودم که در این اثنا باز گشودمش، نفس در سینه ام حبس شد و اشک در چشمانم حلقه زد، بارها و بارها طنین صدایش در گوشم تکرار می شد و نگاهم خیره به گوشه ای از اتاق منجمد شد، یا شاید آتش گرفت، فرمود: (يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمْئَانِهِمْ، روزی که هر گروهی را با امام شان فرا می خوانیم، اسراء/ ۷۱) چنان حیرت زده بودم، چنان پاسخ های تابناک و روشن قرآن جانم را برافروخته بود که امانم

۱ - کجاست آن باقیمانده خدا که از عترت هدایتگر خالی نشود، ای فرزند آیات و نشانه ها، ای فرزند دلیل های آشکار، ای فرزند برهان های نمایان، ای فرزند حجت های رسا، ای فرزند نعمت های کامل، ای فرزند طه و آیات محکم، ای فرزند یس و ذاریات، ای فرزند طور و عادیات، ای فرزند کسی که نزدیک شد، آنگاه درآویخت، تا آنکه در دسترسی و نزدیکی به خدای علی اعلی، به فاصله دو کمان یا کمتر بود. (دعای ندبه)

نبود، برای بار سوم کنجکاوانه گشودمش می‌خواستم بدانم ختم کلامش چیست؟ مغرم یارای تحلیل نداشت، مگر می‌شود، مگر می‌شود؟ که قرآن این گونه حسن ختام کلامش را بیان فرمود: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾، جز این نیست که خدا می‌خواهد آلودگی را از شما اهل بیت بزداید و شما را کاملاً پاکیزه گرداند، احزاب/ ۳۳) نمی‌دانم حالم خوب بود یا نبود، نمی‌دانم بیدار بودم یا نبودم، ولی تمام وجودم گوش بود، صدایش را با سلول‌های دست و پایم هم می‌شنیدم، صدایش را در قلبم هم احساس می‌کردم. خدا، خدا، آن محبوب ازلی و ابدی، همان خود او، می‌خواست که اهل بیت را از هر پلیدی پاک کند، او اهل بیت را برای ما برگزید و آنها را حاملان کتاب خود قرار داد. [السَّلَامُ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ الدُّعَاةِ وَ الْقَادَةِ الْهُدَاةِ وَ السَّادَةِ الْوَلَاةِ وَ الذَّادَةِ الْحَمَاةِ وَ أَهْلِ الذِّكْرِ وَ أَوْلَى الْأَمْرِ وَ بَقِيَّةِ اللَّهِ وَ خَيْرِيَّةِ ... اضْطَفَّكُمْ بِعِلْمِهِ وَ ارْتَضَاكُمْ لِعِيبِهِ وَ اخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ وَ اجْتَنَّاكُمْ بِقُدْرَتِهِ وَ ... طَهَّرَكُمْ مِنَ اللَّذَنَسِ وَ أَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا].^۱

حیرتم از این همه یک پارچگی است، از این یکی بودن، هر سه بار یک چیز، هر سه بار به امامم فراخواندی و امام حاضر من اکنون صاحب الامر است [روحی و ارواح العالمین له الفداء] مرا به امام توجه دادی، و باز هم تاکید کردی در آن دیار باقی، تو پشت سر امامت حرکت خواهی کرد، و این گونه بر اهمیتش صحه گذاردی و در آخر گفתי امامت همانی است که خدای باری تعالی او را برگزید و از هر رجس و

۲ - سلام بر پیشوایان دعوت کننده، و پیشروان هدایت کننده، و سروران سرپرست، و مدافعان حمایت کننده، و اهل ذکر و صاحبان فرمان، و باقیمانده خدا و برگزیدگان او، شما را با دانشش برگزید، و برای غیبتش پسندید، و برای رازش انتخاب کرد، و به قدرتش اختیار کرد، و از آلودگی پاک کرد، و پلیدی را از شما ببرد، و پاکتان نمود، پاک کردنی شایسته. (زیارت جامعه کبیره)

پلیدی پاکش نمود، تا قطعاً و یقیناً تو را به سر منزل مقصود برساند و در مسیرش اشتباهی وجود نداشته باشد، و در این صورت مرا اطمینان دادی که اگر او را برای پیشوایت برگزینی، روزی نه چندان دور به لقای دوست خواهی رسید که: [شُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولاً]، به من گفتی تو همان امامی و امام همان تو است، به من گفتی تو همان بقیة الله هستی و بقیة الله همان تو است، به من گفتی و چه نیک گفتی رفیق همیشه رفیق. معبود! عمری از من گذشت، در اندوهم که نه امامم را شایسته شناختم و نه قرآنم را، چرا که اگر یکی را به نیکی درک می‌کردم آن دیگری در کنه وجودم می‌نشست.

بار خدایا! [آمَنَّا بِمَا أُنزِلَتْ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ].^۱

معشوقا! [أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَ بِحَقِّهِمْ].^۲

باشد که من نیز در آن روز موعود رستاخیز به دنبال آنان به سوی روان باشم.

من الله توفیق

سارا - اکبری - بهار ۱۳۹۸

۱ - منزّه است پروردگار ما، که وعده پروردگار ما امری انجام یافته است. (زیارت جامعه)

۲ - ای پروردگار ما، به آن چه نازل فرمودی ایمان آوردیم، و از پیامبر پیروی کردیم، پس ما را در شمار گواهان بنویس. (زیارت جامعه)

۳ - از تو درخواست می‌کنم مرا در گروه عارفان به آنها و آشنای به حقّشان، وارد کن. (زیارت جامعه)